

مؤلفه‌های جامعه مهدوی

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله مؤمنی*

مقدمه

بشر از گذشته تا کنون، همواره در جست‌وجوی عدالت، رفاه و امنیت بوده و برای دستیابی به آن پیوسته کوشیده است. اندیشمندان نیز بر پایه همین تلاش‌ها و تجارب، به نظریه‌پردازی پرداخته و تلاش کرده‌اند که از فراز و نشیب‌های گذشته پرنج انسان، پلی برای رسیدن به آینده‌ای سرشار از عدالت و امنیت بسازند. با این همه و با وجود پیشرفت‌های خیره‌کننده انسان و شکل‌گیری جهانی مدرن در عصر حاضر، عطش و نیاز بشریت به عدالت همچنان بی‌پاسخ مانده و سایه فقر و نابرابری و جنگ و فساد هنوز بر سر او سنگینی می‌کند.

حال سؤال این است که آیا جامعه بشری در نهایت می‌تواند به سوی صلح و عدالت حرکت کند یا همچنان در مسیر جنگ، تخاصم و بی‌عدالتی است و باید در انتظار اضمحلال و نابودی کامل باشد؟ ما بر این باوریم که ریشه همه این نابسامانی‌ها، نبود معنویت و عدم ثبات فرهنگی در جهان کنونی است و اعتقاد و پای‌بندی به دین و آموزه‌های آن، مؤثرترین عاملی است که می‌تواند ثبات فرهنگی جامعه را استحکام بخشد و دستیابی به عدالت همه‌جانبه و رفاه و امنیت عمومی را تضمین کند.

بر اساس آموزه‌های مهدویت، این امر تحقق خواهد یافت و «آینده بشریت»، آینده صلح و عدالت و خیر است؛ گرچه حرکت به سوی «آرمان‌شهر مهدوی» نیز چندان ساده نیست و صحنه تاخت‌وتاز زورمداران و ستمکاران هست و خواهد بود. همین پاسخ‌گویی شفاف و روش‌مند فرهنگ شیعی درباره آینده بشر، موجب پویای

* کارشناس ارشد مذاهب اسلامی.

آن نیز شده است، چنانکه فیلسوف و اسلام‌شناس فرانسوی، هانری کربن، می‌گوید: «باور به اندیشه مهدویت، عنصر اصلی فکر شیعه است که موجب پویایی آن شده است».^۱

آینده بشریت

پرسش از آینده بشر و اینکه آیا انسان‌ها باید در انتظار صلح و عدالت باشند یا باز هم چیزی جز جنگ و نابرابری نصیب‌شان نخواهد شد، یک پرسش جدی و اساسی است. از این رو همه مکاتب - اعم از مکاتب الهی و مکاتب بشری - در این زمینه به بحث و اظهار نظر پرداخته‌اند.

بیشتر مکاتب مادی آینده بشر را در زمینه رفاه عمومی (به استناد پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی)، تکامل تاریخی (به پشتوانه وضع قوانین پیشرفته) و تحقق عدالت و برابری (با دورنمای تک‌قطبی شدن جهان)، روشن و درخشان ترسیم می‌کنند. اگرچه برخی نیز، دیدگاهی متفاوت دارند و اضمحلال و نابودی بشر را قطعی می‌دانند.

در مقابل، مکاتب الهی بر پایه باور به تدبیر کار جهان با اراده خداوند، فرجام بشریت را درخشان ارزیابی کرده و آینده را از آن صالحان می‌دانند. «وراثت صالحان» در واقع یکی از باورهای مشترک همه ادیان الهی - و بلکه غیر الهی - است که ظهور منجی و مصلح جهانی برای برون‌رفت از بن‌بست‌ها و مشکلات بشری، مقدمه آن خواهد بود. این آینده درخشان که گاهی با واژگانی چون «آرمان‌شهر» یا «مدینه فاضله» از آن یاد می‌شود، در اسلام در قالب اندیشه مهدویت مطرح شده است.

استاد شهید مرتضی مطهری، تفاوت دیدگاه‌ها نسبت به آینده بشر را ناشی از تفاوت جهان‌بینی‌ها می‌داند و می‌گوید:

نگرش مثبت، نگرشی است که غالب معتقدان به ماورا و خدا و نیز اکثر پیروان ادیان، اعم از آسمانی و غیر آسمانی بدان باور داشته و نشاط و بالندگی فردی و اجتماعی خویش را در آن جست‌وجو می‌کنند... چه اینکه نگرش منفی، غالباً از آن کسانی است که به ماورا اعتقاد ندارند و جهان و جهانیان و ارتباط میان آن‌ها را مادی محض می‌پندارند. به تعبیر دیگر، اینان دیدگاه ماتریالیستی دارند.^۲

۱. هانری کربن؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ ترجمه اسدالله مبشر؛ ص ۱۰۵.

۲. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۵، ص ۹۹۹.

قرآن کریم در نگرش تاریخی‌اش درباره آینده جهان و انسان، به این حقیقت گواهی می‌دهد که سرانجام، رنج‌ها و گرفتاری‌ها و حرمان‌های انسان پایان می‌پذیرد؛ چراکه سنت تغییرناپذیر خدا بر این قرار گرفته که در واپسین حرکت تاریخ، تنها بندگان شایسته و وارسته و اصلاح‌طلب خداوند، وارثان و سررشته‌داران زمین و زمان گردند و برنامه مترقی و روش انسانی و آزادمنشانه آنان بر همه جهان حاکم شود و سراسر جهان از پلیدی اندیشه و کردار افراد زورمدار و اصلاح‌ناپذیر و جریان‌های ستمکار و پایمال‌کننده حقوق و آزادی‌های بشر پاک و پاکیزه شود.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگان‌ش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است».

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

مرحوم علامه طباطبایی، آینده روشن و آفتابی انسان را در قالب هدایت عمومی موجودات توجیه و تفسیر می‌کند و از منظر هدایت عمومی، انسان را رو به کمال می‌داند.^۴

شهید مطهری بیان زیبایی درباره این آینده روشن و آفتابی دارد و می‌گوید: ما مسلمان‌ها، بالاخص شیعیان می‌گوییم دوره سعادت بشری، آن عصری است که دوره عدل کامل است؛ یعنی عصر ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه آن دوره که اولین مشخصه‌اش این است که دوره حکومت عقل است، یعنی دوره‌ای که در آن، علم اسیر و برده نیست. امیرالمؤمنین عجل الله فرجه تعبیری درباره آن عصر دارد که می‌فرماید: «در

۱. انبیاء: ۱۰۵.

۲. اعراف: ۱۲۸.

۳. قصص: ۵.

۴. محمدحسین طباطبایی؛ شیعه در اسلام؛ ص ۱۱۵.

آن عصر، مردم صبحگاهان و شامگاهان جام حکمت و معرفت می نوشند».^۱

مؤلفه‌های جامعه مهدوی

بر اساس آنچه که در آموزه‌های دینی آمده، جامعه انسانی بعد از ظهور امام زمان علیه السلام از ویژگی‌هایی برخوردار می‌شود که آن را از سایر جوامع پیش از خود متمایز می‌کند. در اینجا مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های جامعه مهدوی را از نظر می‌گذرانیم:

معنویت‌گرایی

با نگاهی به آیات و روایات عصر ظهور و سیره امام عصر علیه السلام درمی‌یابیم که آن حضرت، به پیروی از سیره جد خود، رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی برداشتن موانع تعالی اخلاقی، فراهم آوردن زمینه عبودیت واقعی و گسترش معنویت در عالی‌ترین سطح است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و پایان همه کارها از آن خداست».

در روایات شیعه، این آیه گاهی به اهل بیت علیهم السلام - عموماً - و گاهی بر حضرت مهدی علیه السلام و عصر ظهور - خصوصاً - تفسیر شده است. به‌عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

این آیه تا آخر، از آن آل محمد و مهدی و یاران اوست. خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومت آن‌ها قرار می‌دهد، آئینش را آشکار می‌کند و به وسیله مهدی علیه السلام و یارانش، بدعت و باطل را نابود می‌کند؛ آنچنان که تبهکاران، حق را نابود کرده بودند! و اینچنین می‌شود که روی زمین، اثری از ظلم دیده نمی‌شود [زیرا] آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^۳

عصر ظهور، عصر بازگشت به فطرت و دوران اوج رشد معنویت و اخلاق است؛ از این رو، اقامه نماز - که ستون دین، مظهر عبودیت و بندگی و یکی از عوامل رشد

۱. مرتضی مطهری؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ ج ۱، ص ۵۰.

۲. حج: ۴۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۴، ص ۱۱۸.

معنوی است - در آن زمان به اوج خود خواهد رسید. افزون بر نماز، توجه به قرآن و تدبر در آیات آن و عمل به دستورهای آن - که از دیگر عوامل رشد معنویت است - در عصر ظهور فراگیر می‌شود و غبار غربت و مهجوریت از کلام‌الله زدوده می‌شود. در روایات آمده که «قائم‌المحمد عجل الله فرجه خیمه‌هایی بر پا می‌کند تا قرآن را آن‌گونه که خدای عزوجل نازل فرموده، به مردم تعلیم دهد»^۱.

دین محوری

از آنجا که دین، برنامه تعالی و تکامل انسان است، عصر ظهور را بی‌شک باید عصر شکوفایی دین و آموزه‌های وحیانی دانست؛ چنانکه قرآن کریم نیز می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند؛ هرچند مشرکان کراهت داشته باشند».

لازم است توجه شود که برای دین، می‌توان دو سطح یا مرحله در نظر گرفت؛ مرحله بیان و تبلیغ و مرحله اجرا و ما بر این باوریم که مرحله بیان و تبلیغ، در طول رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اتمام و اکمال یافته است، اما مرحله اجرای کامل، با ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه صورت خواهد گرفت.

از روایات چنین برمی‌آید که محور حکومت آن حضرت، دین است و این نشان می‌دهد که دین الهی، تمام ظرفیت‌های لازم برای برپایی حکومتی صالح و تمام‌عیار و نجات جامعه بشری از هرگونه ستم و فساد را دارد. ابوبصیر می‌گوید:

از امام صادق عجل الله فرجه درباره این آیه پرسیدم. فرمود: «وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ»^۳ قسم به خدا! هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نمی‌آید تا اینکه قائم عجل الله فرجه خروج کند. پس هنگامی که قائم خروج کرد، کافری به خدا و

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۲. توبه: ۳۳.

۳. محمد بن علی ابن بابویه؛ کمال‌الدین و تمام النعمة؛ ج ۲، ص ۶۷۰.

مشرکی به امام باقی نمی ماند؛ مگر اینکه خروج او را کراهت دارد». درباره این آیه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود: «لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَتُودَى فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَعَشِيًّا»^۱ قریه ای باقی نمی ماند، مگر اینکه صبح و شب در آن به توحید و رسالت پیامبر شهادت داده می شود». آن حضرت در روایت دیگری می فرماید: «يُمَهِّدُ الْأَرْضَ وَيُحْيِي السَّنَةَ وَالْفَرَضَ»^۲ زمین را مهد [زندگی] می سازد و سنت و واجبات [دینی] را زنده می کند». علی بن عقبه از پدرش روایت کرده: «لَمْ يَتَّقِ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَيَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ»^۳؛ اهل هیچ دین و مذهبی بر مسلک و عقیده خود باقی نخواهند ماند، مگر اینکه اعتراف به ایمان کند و اسلام خود را اظهار سازند.

عدالت گرایی

عدالت از مفاهیم بنیادینی است که همه ادیان الهی با هدف تحقق آن، به سوی مردم آمده اند و از همین رو، مهم ترین دغدغه پیام آوران الهی، بعد از دعوت به توحید و شناخت خدا، ایجاد و بسط عدالت بوده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۴ همانا فرستادگان ما را با دلایلی روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان فرو آوردیم تا مردم به عدالت قیام کنند». از سوی دیگر، خداوند انسان را نیز ستمگر معرفی کرده و می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ»^۵ انسان، ستمگر و ناسپاس است». بدین ترتیب آشکار می شود که برپایی قسط و عدالت، هدفی بسیار سترگ است که تحقق آن در گرو مهار نفس آدمی است. بی جهت نیست که تاریخ زندگی بشر نشان می دهد که هرچه از عمر او گذشته، ستمکارتر شده و با ستم ستمکاران نیز بیشتر خو گرفته است و در حال حاضر می توان به سادگی، زشت ترین جلوه های ظلم و بی عدالتی را در جای جای جهان، به ویژه از سوی قدرت های استکباری مشاهده کرد.

۱. محمد بن مسعود عیاشی؛ تفسیر العیاشی؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. لطف الله صافی گلپایگانی؛ منتخب الأثر؛ ص ۲۱۰.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۳۸۴.

۴. حدید: ۲۵.

۵. ابراهیم: ۳۴.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «و قیام قائم در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی شده و مردمان به یکدیگر می‌تازند؛ نه بزرگسال به خردسال رحم می‌کند و نه قدرتمند به ناتوان! در این هنگام خداوند به او (امام غایب) اجازه خروج می‌دهد».^۱

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز درباره نابسامانی اجتماعی و بی‌عدالتی دوران پیش از ظهور می‌فرماید: «رَأَيْتَ أَوْلَايَةَ قَبَائِلَ لِمَنْ زَادَ: ^۲ می‌نگری که ولایت (مسئولیت‌ها و پست‌ها) در دست کسانی است که رشوه بیشتری می‌دهند».

اما حکمت خداوندی نیاز همیشگی بشریت به عدالت را بی‌پاسخ نگذاشته و حکومت عدل مهدوی را زمینه‌ساز تحقق آن در همه ابعاد زندگی انسان قرار داده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «هرگاه قائم قیام کند، به عدل حکم می‌کند و در روزگار او جور و ستم از بین می‌رود و به‌وسیله او راه‌ها امن می‌شود و زمین برکاتش را خارج می‌کند و هر حقی به صاحبش برگردانده می‌شود».^۳

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی گرداند تا مردی از فرزندان من خروج کند. پس، زمین را از عدل و داد پر کند؛ همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد. این خبر را از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم».^۴

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم می‌فرماید: «به خدا قسم که عدالت، خود را به خانه‌های مردم وارد می‌کند؛ همان‌گونه که سرما و گرما داخل می‌شوند».^۵

و امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «آن‌گاه که او خروج کند، ترازوی عدل را در بین مردم می‌نهد؛ پس، هیچ‌کس به دیگری ظلم نمی‌کند».^۶

رشد و بلوغ فکری

مهم‌ترین وسیله و عامل روآوردن به خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها، «عقل» است. این

۱. محمدباقر مجلسی؛ پیشین، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. همان، ص ۳۳۸.

۴. محمد بن علی ابن بابویه؛ پیشین، ج ۱، ص ۳۱۸.

۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ لغیبه، ص ۱۵۹.

۶. محمد بن علی ابن بابویه؛ همان، ص ۳۷۲.

نعمت بزرگ الهی هرچه به کمال نزدیک‌تر شود، نابسامانی‌های فردی و اجتماعی انسان بیشتر سامان می‌یابد و فرد برای پذیرفتن حق آماده‌تر می‌شود. در روایات آمده است که عقل و خرد آدمی در عصر ظهور - و به برکت حضرت حجت علیه السلام - به آخرین درجه کمال خود می‌رسد و در پرتو آن، جهل و نادانی جای خود را به علم و دانایی می‌دهد، استعدادها شکوفا و دانش‌های گوناگون به نهایت خود می‌رسند.

امام باقر علیه السلام میزان بینش مردم عصر ظهور را این‌گونه ترسیم می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»^۱ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آن‌ها را به کمال می‌رساند و بلوغ فکری آنان، رشد یافته و تکمیل می‌شود.

آن حضرت در روایتی دیگر، حد یادگیری و مرز دانایی در این دوره را، تا سرایره خانه‌ها بیان می‌فرماید: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَتَفَضَّىٰ فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۲ در زمان او علوم و حکمت را آنچنان خواهید آموخت که یک زن خانه‌دار در منزل خود، طبق قرآن و شیوه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حکم خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام نیز در مقام مقایسه سطح دانش بشری، پیش و پس از عصر ظهور می‌فرماید: «علم بیست و هفت حرف دارد. تمام آنچه پیغمبران آورده‌اند، دو حرف است که مردم تا به امروز جز این دو حرف چیزی ندانسته‌اند و چون قائم ما به پا خیزد، بیست و پنج حرف دیگر را بیاورد و با آن دو حرف دیگر، در میان افراد بشر آشکار و پراکنده کند»^۳.

حفظ کرامت انسانی

«کرامت» موهبتی ویژه است که به انسان ارزانی داشته شده است و قرآن کریم این اصل الهی در آفرینش انسان را چنین بیان می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۴ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا،

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۲۵.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی؛ همان، ص ۲۳۸.

۳. قطب‌الدین راوندی؛ الخرائج و الجرائح؛ ج ۲، ص ۸۴۱.

۴. اسراء: ۷۰.

(بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

می‌دانیم که همه مخلوقات بر مداری غریزی در حرکت هستند تا مسیر رشد و کمال خود را طی کنند و در این میان، تنها انسان است که می‌تواند با اراده و اختیار خود، راه خویش را برگزیند و به فروترین مراتب (زندگی حیوانی) یا بالاترین مراتب (زندگی الهی) برسد. دریغ که در زمانه ما، انتخاب مسیر درست زندگی و نیل به حیات انسانی بسیار دشوار شده و اینک همه جوامع، حتی جوامع اسلامی با انواع مشکلات و نابسامانی‌های اخلاقی و اجتماعی از قبیل بی‌حیایی، دروغ‌گویی، فساد اخلاقی، ناامنی، جنایت و خشونت، بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر، فقر و امثال آن دست‌به‌گریبان هستند. البته چنانچه از منظر وضعیت جهان در عصر ظهور به موضوع بنگریم، می‌توان این نابسامانی‌ها را جلوه‌هایی از پرشدن جهان از ظلم و جور دانست که در پی آن، ظهور آن منجی موعود رخ خواهد داد و طبق آنچه که در روایات آمده، رشد اخلاقی در بالاترین سطح ممکن در انسان‌ها پدیدار خواهد شد و به برکت ظهور و حضور حضرت مهدی علیه السلام شاهد شکل‌گیری مدینه فاضله خواهیم بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انس و الفت میان دل‌های بندگان را یکی از ارمان‌های اخلاقی عصر ظهور بیان می‌کند و می‌فرماید: «وَيَرْفَعُ الشَّحْنَاءَ وَالتَّبَاغُضَ»^۱ در آن روزگار کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل زدوده خواهد شد.

امیرالمومنین علیه السلام نیز می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا لَدَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»^۲ هنگامی که قائم ما قیام کند کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دلهای‌شان زدوده می‌شود.

هنگام ظهور حرص و طمع از میان مردم می‌رود و روح بی‌نیازی در آن‌ها آشکار می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «إِذَا حَرَجَ الْمَهْدِيُّ النَّفْسَ الَّتِي اللَّهُ الْغَنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ حَتَّى يَقُولَ الْمَهْدِيُّ: مَنْ يُرِيدُ الْمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ»^۳ زمانی که مهدی علیه السلام قیام کند، خداوند غنا و بی‌نیازی را در دل بندگان می‌نهد؛ به طوری که حضرت اعلام می‌کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد، بیاید، ولی کسی برای آن پیشقدم نمی‌شود.

در روایت دیگری از امام علی علیه السلام آمده است که فرمود:

۱. علی بن موسی بن طاووس؛ الملاحم و الفتن؛ ص ۱۵۲.

۲. محمد بن علی ابن بابویه؛ الخصال؛ ج ۲، ص ۲۵۴.

۳. علی بن موسی بن طاووس؛ پیشین، ص ۷۱.

مهدی علیه السلام از اصحاب خویش پیمان و بیعت می‌گیرد که سرقت و زنا نکنند، خون بی‌گناهی را نریزند، حریمی را هتک نکنند، به ناحق بر خانه‌ای هجوم نبرند و کسی را مورد ضرب و شتم قرار ندهند، زر و سیم نیندوزند، گندم و جو احتکار نکنند، مال یتیم نخورند، ندانسته شهادت ندهند، راهزنی نکنند، مساجد را ویران نسازند، از آلودگی‌ها دوری کنند، امر به معروف و نهی از منکر کنند، لباس خشن بپوشند، بر خاک سر نهند و در راه خدا آن‌گونه که شایسته است جهاد کنند.^۱

آن حضرت در سخنی دیگر، خودسازی همگانی را از ویژگی‌های عصر حضور امام زمان علیه السلام می‌شمارد؛ «يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَظُمُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ»^۲ چون ظهور کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند؛ پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند».

نتیجه آنکه تشکیل حکومت عدل جهانی و تحقق آینده‌ای روشن، آرزویی همگانی و وعده‌ای الهی است که در مباحث آینده‌نگرانه اسلامی، بیش از سایر ادیان مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

اصول مهم و مشترک ادیان ابراهیمی در زمینه آینده جهان عبارت‌اند: اعتقاد و باور به پیروزی حتمی حق بر باطل، گسترش و اجرای عدالت در آخرین مرحله از حیات جهان، در سایه حاکمیت صالحان و پاکان.

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی؛ پیشین، ص ۴۹۶.

۲. صبحی صالح؛ نهج البلاغه؛ ص ۱۹۵.

فهرست منابع

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].

۲. _____؛ الخصال؛ قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، [بی تا].

۳. ابن طاووس، علی بن موسی؛ الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر؛ بیروت: مؤسسه الأعلمی، [بی تا].

۴. راوندی، قطب الدین؛ الخرائج و الجرائح؛ قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.

۵. صافی الگلپایگانی، لطف الله؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام؛ قم: مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۷.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ شیعه در اسلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸.

۷. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

۸. کرین، هانری؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ ترجمه اسدالله مبشر؛ تهران: امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۱.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.

۱۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، ۱۳۹۰.

۱۲. _____؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۲.

۱۳. مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد؛ قم: کنگره، ۱۳۷۲.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبة؛ تهران: صدوق، ۱۳۹۹ ق.